

عمل گروگان گیری من حیث المجموع مورد تایید امام و بالنتیجه مورد تایید مردم قرار گرفته و آنچه که به من ربط دارد اقداماتی است که در این زمینه انجام می دهم.

پاسخ وزیر خارجه اسبق به درخواست افشای گفت وگوهای دیپلماتیک؛



برگرفته از روزنامه «کیهان» - ۴ دی ۱۳۵۸

«چنانچه فشار آمریکا بر ما زیادتیر شود احتمالاً هیات منصفه بین المللی را تشکیل نخواهیم داد.» صادق قطب زاده عضو شورای انقلاب و وزیر امور خارجه در یک گفت وگویی اختصاصی یکساعته با کیهان ضمن اعلام این مطلب، سیاست های تازه وزارت امور خارجه را تشریح کرد و به پرسش های متعدد کیهان پاسخ داد. قطب زاده در این گفت وگو خواستار تشکیل محکمه ای برای بررسی عملکرد خود در رادیو تلویزیون شد. قطب زاده همچنین در گفت وگو با کیهان اعلام کرد که اعتراض خود نسبت به نحوه دستگیری عباس امیرانتظام را کتباً تسلیم امام کرده است. وزیر امور خارجه در این گفت وگو ضمن پاسخ به سؤالات خبرنگار کیهان گفت هیچگونه دخالتی در مورد عدم حضور بنی صدر در جلسه شورای امنیت نداشته است. وی گفت مهندس بازرگان مرا متهم به کودتا علیه دولتش کرده بود. مشروح گفت وگویی خبرنگار کیهان با صادق قطب زاده از این قرار است:

به طوری که از این سو و آن سو شنیده می شود شما یک موضع دوگانه در برابر گروگان های آمریکایی دارید. واقعیت چیست؟ دلتان می خواهد آن ها آزاد شوند یا بمانند و محاکمه شوند. در پاسخ به این سوال یک بار و برای همیشه اگر لازم است روراست باشید.

من همیشه روراست بوده ام و شاید همین مسئله سبب مشکلاتی برای من شده است. من همیشه حقیقت را می گویم و نگرانی از بازتاب آن ندارم؛ اما مسئله گروگان ها و سوء تفاهمی که برای بسیاری پیدا شده در رابطه با مصاحبه من با خبرنگاران خارجی بوده و حتی مصاحبه ای که از من گذاشته شد در تلویزیون قسمتی از آن قطع شده بود که علت آن را نمی دانم و توضیح مسئله روشن نبود. امام خمینی به من دستور دادند که یک هیات بین المللی تشکیل دهیم برای بررسی جنایات آمریکا در ایران و یک هیاتی برای دیدار از گروگان ها. من حتی در مورد دیدار گروگان ها این مسئله را به تعویق انداختم و پیشنهاد کردم که این دیدار همزمان با میلاد حضرت مسیح انجام شود که امام هم قبول کردند و دستور هم به شورای انقلاب دادند تا در حقیقت مراسم مذهبی را هم به جای آورند. آن چیزی را که امام به من دستور داده بودند فقط این بود که من این کار را تعقیب کنم یعنی بررسی سیاست تجاوزکارانه آمریکا در ایران را و بنابراین به من دستور محاکمه نداده بودند و من هم در برابر جو بین المللی راجع به این مطلب صحبت کردم که فعلاً مسئله محاکمه گروگان ها مطرح نیست اما این کلمه «فعلاً» را از آن حذف کرده اند و بقیه آن را گرفته اند و داد و قال بی مورد راه انداخته اند؛ اما در آینده چه خواهد شد و چه وضعی پیش خواهد آمد طبیعتاً این بستگی دارد به خیلی از مسائل، ولی من درست در آن خطی که امام معین کرده بود و دستور داده بود حرکت کردم و خواهم کرد. سیاست من راجع به این مطلب خیلی روشن است. من موظف هستم که دستورات رهبری را موبه مو انجام دهم و در مواردی که رهبر دقیقاً و صریحاً اظهار نظر نکرده با سایر همکارانم در شورای انقلاب بنشینیم و بررسی کنیم و تصمیم مشترکی اتخاذ کنیم. من به هیچ وجه موظف نیستم از ارگان های دیگری چه رسمی و غیررسمی دستور بگیرم و یا

دستوری را انجام دهم. این مسائل باید روشن باشد. همین دیروز عده‌ای از تبریز آمده بودند اینجا و داد و قال می‌کردند. به آن‌ها هم گفتم که از من توقع نداشته باشید که من دستورات امام را رها کنم و تمایلات هر کس دیگری را انجام دهم ولو اینکه شما بگویید این تمایلات درست است یا غلط است برای من فرقی نمی‌کند، آن چیزی که هست آن است که اراده مردم از زبان امام جاری می‌شود و چون امام دستور می‌دهد آن کار باید انجام شود و من هم انجام می‌دهم. به هر حال راجع به اینکه گروگان‌ها باید آزاد شوند یا نشوند این بستگی به خیلی چیزها دارد. ما مسائل زیادی با آمریکا داریم و این مسائل باید حل شود؛ مسئله اول استرداد شاه است و ما در پاناما هم داریم اقدام می‌کنیم که به زودی ان‌شاءاً این اقدامات رسماً اعلام خواهد شد.

[در مورد تشکیل هیات منصفه] تا فردا در همین زمینه اعلامیه‌ای خواهیم داد. این طور به نظر می‌رسد که متأسفانه سیاست آمریکا بر این پایه قرار گرفته است که بخواهد در مقابل حسن نیتی که ما از خود نشان می‌دهیم اعمال قدرت و نظر کند و بنابراین درباره این هم اگر ببینیم که آمریکا می‌خواهد زیاده‌تر فشار بیاورد به عرض امام خواهیم رساند که حتی لزومی هم به هیات منصفه بین‌المللی نیست و در مجموع اگر آمریکا بخواهد فشارش را زیاد کند هیات منصفه بین‌المللی تشکیل نخواهد شد.

به نظر شما دانشجویان پیرو خط امام در کدام جناح سیاسی جای دارند؟ اکنون آن‌ها در مورد مسائل مختلف اظهارنظر می‌کنند. تکلیف دولت در این میان چیست؟

من تنها چند تن از آن‌ها را می‌شناسم ولی نمی‌توانم بگویم از کدام دسته سیاسی هستند و به کجا وابسته هستند و وضعیتشان چگونه است؛ اما آنچه مسلم است عمل گروگان‌گیری من حیث‌المجموع مورد تأیید امام و بالنتیجه مورد تأیید مردم قرار گرفته و آنچه که به من ربط دارد اقداماتی است که در این زمینه انجام می‌دهم. از اینکه آن‌ها بعضی از اعمال نظرها را کرده‌اند من بی‌نهایت متأسفم و آنچه که مربوط است به من و من مسئول اداره آن هستم همان‌طور که گفتم نه دستور از کسی می‌گیرم و نه زیر فشار احدی خواهم بود. من فقط از امام دستور می‌گیرم و تصمیمات مشترک شورای انقلاب را پیاده می‌کنم و لا غیر و این مسئله برای همه کم‌وبیش روشن است که من زیر بار هیچ‌گونه فشاری نمی‌روم، تا به حال نرفته‌ام و در آینده هم نخواهم رفت. ضمناً همان‌طور که گفتم به آن عملی که مربوط می‌شود به تسخیر لانه جاسوسی من از همان موقع هم که در رادیو تلویزیون بودم بیشترین کمک را در این زمینه انجام دادم از لحاظ تبلیغاتی و تمام قدرت تبلیغاتی را پشت سر این ماجرا گذاشتم و این خود علامت و نشانه این بود که من تا چه اندازه نسبت به این عمل حساسیت داشتم و عمل کردم ولی اگر این موجب شود که روی من فشار غیرمنطقی بیاید من زیر فشار غیرمنطقی نمی‌روم.

شما وزیر امور خارجه مملکتی هستید که نخست‌وزیر ندارد. آیا اصولاً اعتقادی به حضور نخست‌وزیر در این مملکت دارید؟

مسئله اعتقاد داشتن یا نداشتن نیست. مسئله این است که یک امر فوق‌العاده اتفاق افتاده و شورای انقلاب مسئولیت اداره مملکت را دارد و ان‌شاءاً با انتخاب رئیس‌جمهور و مجلس، نخست‌وزیر هم انتخاب خواهد شد و این قضیه موقتی خواهد بود اما در اینکه ما دستور از امام می‌گیریم هیچ تردیدی نیست.

شما روزگاری به مطبوعات این مملکت به عنوان نشر اکاذیب حمله می‌کردید در حالی که آن‌ها مثلاً می‌گفتند که عباس امیرانتظام یا کسانی نظیر او ماموران خارجی هستند اما شما گفته‌اید که از جریان بازداشت امیرانتظام اطلاعی نداشته‌اید. این موضوع را در رابطه با مسئولیت خود در وزارت خارجه و جنجال مطبوعات خارجی در این مورد که می‌نویسند در ایران عملاً دولتی وجود ندارد چگونه توجیه می‌کنید؟

در مورد مسئله امیرانتظام همان‌طور که گفتم این امر کاملاً بدون اطلاع من بوده و من در این زمینه صریحاً و رسماً و علناً اعتراض کردم چون مطابق تصویب شورای انقلاب در گذشته و امر امام خصوصاً به دادگاه انقلاب دستور داده شده بود که هیچ کس را در ادارات دولتی بازداشت نکند مگر با نظر مسئولان آن سازمان و در این مورد متأسفانه این‌طور عمل شده و دادگاه انقلاب و در حقیقت دادستان کل انقلاب در این جریان به من خبر نداده و حتی بعد از آنکه ایشان دستگیر شده بود و من تلفن کردم که از واقعه امر اطلاع پیدا کنم ایشان هیچ تلفنی را جواب نداد و من این اعتراض را خدمت امام هم کردم اما اینکه مملکت در امن و امان است آن قدرها هم در امن و امان نیست؛ مشکلات بسیار فراوان است و هر روز ابعاد آن گسترده‌تر می‌شود و ما در اینکه نمی‌رسیم مشکلات را حل کنیم تردیدی نیست و به همین دلیل هم اراده امام بر این تعلق گرفته که انتخابات هرچه زودتر انجام شود و مملکت مسئولان واقعی خود را پیدا کند تا بتواند با قاطعیت عمل کنند. این در واقع اصل ماجرا است و اینکه خارجیان می‌گویند در ایران هیچ کس نیست این ناشی از یک مقدار تبلیغات زیاده از حد است و مقداری واقعیت‌های داخلی ایران که متأسفانه مراکز تصمیم‌گیری متعدد است و هر کس این روزها برای خود تصمیم می‌گیرد و عمل می‌کند و برای مردم غیرقابل تحمل است.

در مورد این مسئله که من روزنامه‌ها را تعطیل کردم، من حتی یک روزنامه را در این مملکت تعطیل نکردم و موافق تعطیل هیچ روزنامه‌ای هم نبودم و حتی آن روزنامه‌هایی که شدیداً به من حمله می‌کردند یک بار هم صحبت از تعطیل این‌ها را با احدی نکردم در این مملکت و حتی وقتی که دیدم سیل توقیف‌های روزنامه‌ها جاری شده اولین نفری بودم که ایستادم و گفتم نباید بشود و خدمت امام هم عرض کردم که امام هم این مسئله را قبول داشتند و همان‌طور که ملاحظه می‌شود بسیاری از روزنامه‌ها فعالیت مطبوعاتی خود را آغاز کردند؛ بنابراین آنچه را که می‌توان جز اختصاصات من قرار داد این است که به یک معنا رفع گرفتاری و ناراحتی از روزنامه‌ها است نه تعطیل آن‌ها، اعتقاد دارم که مطبوعات باید آزاد باشند و هرچه دلشان می‌خواهد بنویسند ولی البته با ضوابطی که توهین نکنند و کسی را بی‌شخصیت نکنند و در مورد امیرانتظام هم ایشان متهم است و باید رسیدگی شود و بنابراین تا موقعی که دقیقاً رسیدگی نشده نباید اعلام محکومیت کرد و این شیوه اسلامی نیست. من آشنایی با امیرانتظام نداشتم و ایشان را به طور مختصر دو بار در آمریکا دیده بودم و بعد هم از بدو انقلاب که ایشان

مقامی را احراز کردند و واقعا هیچ گونه صمیمیتی با او نداشتیم بلکه یک شناسایی عادی بود.

آیا پشیمانید که به ایران آمدید و یکی از ارگان های حکومت انقلابی را به دست گرفتید یا خوشحالید. به هر حال اکنون چه چیزی را ترجیح می دهید؟

هیچ چیز برای من زیباتر و عظیم تر از آن نبود که به وطنم در نزد مردم عزیزمان برگردم و این هیچ پشیمانی ندارد و از این خوشحال تر نمی توانم باشم خصوصا برای کسی که ۲۰ سال در نفی بلد به سر برده، مصائب بزرگی برایش پیش آمده به طوری که ساواک هم اعلام کرد که دو بار قصد جان مرا در خارج از کشور داشتند. این دلیلی بود که من یک لحظه رژیم و حکومت گذشته را غافل نگذاشتم و این مبارزه، مبارزه های سخت، طولانی، ناراحت کننده و نسبتا مشکل بود. حال در اینکه این مسئولیت هایی را که پذیرفتم از صمیم قلب بگویم که این مسئولیت ها را بنا به وظیفه ای که امام به من محول کردند و آن عشق و علاقه ای که من سال های سال به امام داشتم و بر این اساس پذیرفتم. زیاد مایل نبودم خصوصا رادیو تلویزیون که واقعا خیلی زحمت بود، خیلی ناراحتی کشیدم در آنجا و خیلی به من فشار آمد اما توانستیم این سازمان را راه بیندازیم و این سازمان تنها سازمانی بود که روی یک روال صحیح افتاده بود و حالا هم در این شرایط بسیار حساس مملکتی که تمام کارها برمی گردد به سیاست خارجی و در رابطه با خارج و وضعی که وجود دارد دوباره قرعه فال به نام من بیچاره زند و نمی دانم چرا بار سخت ترین جریانات را باید همیشه من بر دوش بکشم و شاید این هم از عنایات پروردگار است برای آزمایش انسان ها. حداقل تا زمانی که امام هست من هم هستم.

شما را متهم می کنند که در زمان مأموریت در رادیو تلویزیون بسیاری از آشوب های مملکت را دامن زده اید. در این مورد چه نظری دارید؟

من از خدا می خواهم که از من یک محاکمه بشود در مورد رادیو تلویزیون، یک محاکمه ای که در آن خود رادیو تلویزیون هم حضور داشته باشند، افرادی که در آنجا هستند حضور داشته باشند، مردم ببینند و بشنوند که ما جلوی بسیاری از آشوب های مملکت را گرفتیم. بسیاری از آشوب هایی را که با نهایت دقت طرح ریزی و برنامه ریزی شده بود که ما نگذاشتیم و در نطفه خفه کردیم و یا به حداقل ممکن رسانیدیم. بدون تردید می گویم که همکاری ما با من در رادیو تلویزیون در ده ماهه اول انقلاب بدون تردید بزرگترین خدمت را به ثبات جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی کردند البته اینکه می گویم منهای امام مطرح می کنم برای اینکه ایشان مرکز ثبات هستند. سه تا از بزرگترین و حساس ترین انتخابات این مملکت را از سر گذراندیم با موفقیت کامل و هر جای این مملکت آشوب می شد ما می خوابانیدیم. حتی بعضی اوقات با تهدید شورش ها را آرام می کردیم و گاهی اوقات با اعزام افراد متخصص در محل منهای دولت و قبل از آنکه به جای بدی برسد زود آرام می کردیم. آینده نشان خواهد داد که ما چه تلاشی کرده ایم و خیلی دلم می خواهد که یک چنین محکمه ای تشکیل بشود و من بسیاری از چیزها را بتوانم پاسخ بدهم تا خیلی از افراد روشن شوند که چه شده است.

می گویند که منصور فرهنگ [نماینده ایران در سازمان ملل] تبعه آمریکاست و مجله دیلی نیوز هم به این مسئله اشاره کرده است. پاسخ شما به این مسئله چیست؟

دروغ می گویند. من این مسئله را سه بار به آقای فرهنگ تذکر دادم. آقا فرهنگ مطابق تمام ایرانی هایی که آنجا بودند بعد از مدتی فقط یک کارت اقامت دریافت کرده بود که آن موقع از طرف آقای دکتر یزدی به سمت رایزن فرهنگی در آنجا منصوب شد. آن کارت اقامت را هم پس داده بود؛ بنابراین ایشان ایدا تبعه آمریکا نیست و نه دیلی نیوز و نه کسانی که خواستند این کار را انجام دهند هیچ کدامشان مدرک ارائه نکردند. حال آنکه آن ها می توانند این مسئله را منتشر کنند چرا انتشار ندادند؟! ما از آن ها خواستیم که اگر مدرکی دارند منتشر کنند. برای من حرف آقای فرهنگ که او را می شناسم خیلی زیادتر ارزش دارد تا مطلب روزنامه های خارجی و بدبختی ما در این مملکت این است که هر چه را که روزنامه های خارجی می نویسند قبول می کنیم. یک مقدار سوء تفاهات هم میان برادران و خواهران پیرو خط امام در لانه جاسوسی آمریکا و من این بوده، آن ها بیشتر توجه داشتند به اینکه خبرگزاری ها از قول من چه نقل می کنند تا من خودم چه گفتم. بنابراین زیاد به این خبرگزاری ها و روزنامه های خارجی نباید اهمیت داد و این غیر واقعی است ولی چون گفته شده متأسفانه من باید جواب بدهم و جوابش هم همین است که این حرف واقعیت ندارد و من از آقای فرهنگ هم خواستم که رسماً این حرف ها را تکذیب کنند و هر کسی که مدرک دارد ارائه کند.

در مورد سفارتخانه های خارج دانشجویان پیرو خط امام گفته اند که پاکسازی نشده و باید از دانشجویان ایرانی مقیم خارج و افراد مسئول استفاده شود. این پاکسازی که شما اعلام کرده اید پاکسازی نبوده بلکه قطع حقوق کسانی بوده که یا فراری بودند و یا بازنشسته و یا کنار گذاشته شده و یا حتی معدوم. در صورتی که پاکسازی باید در زمینه افراد شاغل انجام گیرد. عده ای معتقدند که شما برای لوٹ کردن قضیه قطع حقوق را به عنوان پاکسازی مطرح کرده اید.

دو مسئله متفاوت است: یکی همین قطع حقوق. آیا کسی می تواند در این مملکت تصور کند که منصور قدر و هرمز قریب و عناصری این چنین هنوز در این مملکت حقوق بگیرند! خود این یک نوع پاکسازی نیست؟! یا اینکه این ها بازنشسته شوند. در حالی که این ها باید منفصل از خدمت شوند و در ثانی من چیزی را که اعلام کردم سه چهار روز بعد از ورودم به اینجا بود. من چگونه می توانستم در این مدت همه را بشناسم و برنامه پاکسازی را در سطح شاغلین هم انجام دهم و کاری که کردم این بود که در این سازمان هیچ گاه تا به حال یک حکم انفصال هم صادر نشده بود و من این حکم های انفصال را صادر کردم و حقوق آن ها را هم قطع کردم و در نتیجه از ماه گذشته نگذاشتم که بیت المال مملکت مورد تهدید قرار گیرد و من انفصال آن ها را اعلام کردم؛ اما در مورد اجرای برنامه پاکسازی، کمیته پاکسازی تشکیل شده است و سرگرم رسیدگی به پرونده های پرسنلی کلیه کارکنان وزارت خارجه است و هر آدم نابابی را هر کجا پیدا کنیم مرخص خواهیم کرد. البته با همان قاطعیت و سرعتی که

در رادیو تلویزیون کردیم و در این زمینه هم کوچکترین تخفیفی قائل نخواهیم شد و این هم به دو دلیل است: یکی اینکه افراد ناباب در وزارت امور خارجه نباشند و دیگر اینکه افرادی که می‌مانند اعاده حیثیت کامل از آن‌ها بشود تا بتوانند کار کنند اما در مورد اینکه در خارج از کشور پاکسازی نشده مطلب تازه‌ای نیست، این مطلب که از مدت‌ها قبل گفته شده و حتی حجت‌الاسلام شیخ حسین نوری در مسافرت اخیرشان تحقیقات صحیحی را انجام داده‌اند، امیدواریم که می‌توانیم افراد سفارتخانه‌ها در خارج از کشور را هم به وضعشان رسیدگی و پاکسازی کنیم و ان‌شاءاً برنامه پاکسازی در خارج از کشور هم تا سه ماه آینده اجرا خواهد شد.

گفته می‌شود که شما حقایق را از مردم پنهان می‌کنید و واقعیت‌ها را با مردم در میان نمی‌گذارید. به عنوان مثال خود شما بارها تاکید کردید که چند بار با والدهایم تلفنی صحبت کرده‌اید. چرا محتوای این گفت‌وگوها را فاش نمی‌کنید و به گفته دانشجویان پیرو خط امام این همه تماس و رابطه داشتن مغایر سیاستی نیست که امام واضح آن هستند؟ این مسئله علاوه بر این شایعاتی را هم میان مردم پراکنده است.

اولا ما جز واقعیت چیزی را با مردم در میان نگذاشتیم و کی همه مطالب را نگفتیم که این دفعه دوم باشد! ما همیشه واقعیت‌ها را عنوان کردیم. به شایعات هم اهمیت ندادیم و نخواهیم داد برای اینکه شایعه هر نوعی که هست ارزشش به همان اندازه کسی است که شایعه می‌پراکند. ملاقات با والدهایم هم همان موقع که گفتم در جریان شورای امنیت بود. دو، سه بار ایشان تلفن کردند و طبیعتاً من در مقام مسئولیت باید صحبت کنم و محتوای قضیه فقط این بود که سیاست دولت ایران چیست، علت این را که چرا در شورای امنیت شرکت نمی‌کنیم و بعد هم متذکر شدم که ما هیچ‌گونه قطعنامه یک‌طرفه‌ای را نمی‌توانیم قبول کنیم و اصولاً باید به مسئله شاه و جنایات آمریکا در ایران رسیدگی کامل شود که این‌ها بخش عمده‌ای از بحران بین‌المللی است که اتفاق افتاده. با توجه به این مسئله من اگر هر روز بخواهم همین مذاکرات را به هر وزیر خارجه و سفیری بگویم باید تمام تیر روزنامه‌ها را بگیرم. اگر چیز تازه‌ای بود که اثرات آن ظاهر می‌شد ما مواضعمان را به همه می‌گوییم اما در مورد اینکه امام گفتند با کسی تماس نگیریم نباید اشتباه کنیم. امام فرموده بودند که با آمریکایی‌ها تماس نگیرید و نگفته بودند که با هیچ کس در دنیا تماس نگیرید. اگر کسی فکر می‌کند که من باید اینجا بنشینم و با هیچ کس تماس نگیرم چرا من اینجا بنشینم زیرا اصل بر تماس است و من با همه دنیا در تماس هستم و این تماس را ادامه خواهیم داد؛ ولی با آمریکایی‌ها هیچ‌گونه مذاکره‌ای و تماسی برقرار نشد و نمی‌شود و دستور امام است. آقای والدهایم هم هر وقت تلفن کند گزارش وضع سازمان ملل را بازگو می‌کند و نقطه نظر ما را می‌خواهد که ما هم نقطه نظرهای خویش را خیلی روشن و صریح می‌گوییم و هیچ نگرانی هم در این زمینه نداریم.

[در مورد مخالفت با شرکت ابوالحسن بنی‌صدر در شورای امنیت] تنها مخالفت من نبود بلکه مخالفت تقریباً همه اعضای شورای انقلاب بوده و خصوصاً مخالفت شخص امام و امام دستور فرمودند که ایشان نروند؛ بنابراین همه را بر سر من و رادیو تلویزیون خراب کردن بی‌عدالتی بود و این سوءتفاهمی بود که برای ایشان پیدا شده بود؛ اما در اینکه من موافق نبودم بروند من فکر می‌کنم با توجه به جوی که ما داشتیم و با توجه به نظر امام و با توجه به موضوعی که دانشجویان داشتند کوچکترین امکان موفقیت در شورای امنیت نبود. البته یک مقدار مسئله تبلیغاتی بوده و این تبلیغات را ما در اینجا کردیم ولی در آن موج عظیم تبلیغاتی آن‌ها اثر نداشت ولی شرکت در آنجا ما را تقریباً متعهد می‌کرد نسبت به وضع قطعنامه‌ای که صادر کردند و دیدیم و بنابراین من علاج واقعه را قبل از وقوع کردم و نظر به این بود که چیزی را که مطمئن نیستند که به توافق برسید و یا قطعنامه‌ای صادر شود که این‌طوری باشد من از اول پیش‌بینی آن را کرده بودم بابت این خودمان را متعهد نکنیم و جریان امر هم نشان داد که نظر من درست بود.

از این گذشته آقای بازرگان و دولت‌ش هم فکر کرد که حمله به دولت تقصیر من بود و رادیو تلویزیون طوری عمل کرده که حمله به دولت کند تا دولت ساقط شود در حالی که دانشجویان پیرو خط امام بودند که لانه جاسوسی آمریکا را اشغال کردند و حوزه علمیه قم، علما، روحانیون و اقشار مختلف مردم بودند که با انتشار اعلامیه از این اقدام پشتیبانی کردند و در اعلامیه‌های خود به دولت حمله کردند و ما بسیاری از حملات به دولت را پخش نکردیم و امکان فیزیکی برای انتشار اعلامیه‌ها وجود نداشت. من چه نظری در مورد حکومت دولت آقای بازرگان داشتم که با نهایت احترامی که برای ایشان قائل هستم بخواهم حکومت ایشان را ساقط کنم اما به من اتهام زدند که من کودتا کردم علیه ایشان.

منبع/ تاریخ ایرانی

برچسب‌ها: [انقلاب](#) [1]

[تاریخ](#) [2]